

تبیین ساختار وجودی بر (نیکی گسترده) و نقش آن در مدیریت ارتباطات و آسیب‌های جامعه

وحید محمدی^۱، حسن خجسته باقرزاده^۲، محمدمهدی لیبی^۳

چکیده

هر جامعه‌ای به اقتضای خود دارای مسائل و مشکلاتی است و به حداقل رساندن موانع زیست سالم و پر نشاط اجتماعی نیازمند قوه مدیریتی متقن و قوی است. غالباً دولت‌ها متولی اصلی رفع کدورت‌ها و غسل‌های اجتماعی به شمار می‌روند منتهی کسانی به توان رصد منظومه‌ای این مسائل مجهز هستند که دغدغه اجتماعی و ارتباطات انسانی را منوط به تحقق رضایت الهی می‌دانند و خود را در این مختصات جانمایی می‌کنند. دلیل سفارش دین اسلام به مراعات و توجه مؤمنین و افراد جامعه به یکدیگر، هم در زمینه امور مادی و هم معنوی، این است که مؤمنین نسبت به هم هوشیار باشند و از دایره خودخواهی بیرون آیند. خمس و زکات و انفاق و صدقه و ... بروز همین اعتقاد نسبت به اهتمام به دیگرخواهی است. این مقاله با بررسی آیات و روایات و تحلیل عقلی و با محوریت سور مبارکه انسان و مطلقین، سعی در تبیین مفهوم «بر» دارد. منتسبان به این صفت نیز با کلمه «أبرار» بیان شده است. در واقع روش تحقیق مقاله حاضر به صورت تحلیل محتوای آیات قرآن و به صورت ایجاد سؤال بوده است؛ یعنی سؤال، محرک ورود ما به قرآن و رجوع ما به خداست. سؤال کلی ما در این پژوهش عبارت است از اینکه «بهینه‌ترین حالت مواجهه با آسیب‌های اجتماعی جامعه چگونه است؟» که می‌تواند با رجوع به عرف علمی و نیز عرف جامعه و مجموعه تجربیاتی که از این مفهوم در جامعه دیده شده است، آن را تفصیل و سؤالات متعددی را به دست آورد. این روند به شکل‌گیری ساختار وجودی بر منتهی شد و در انتها به تأثیر مدل رفتاری چنین افرادی (أبرار) بر رفع آسیب‌ها و اختلالات جامعه منجر شد که با رهیابی آن در مصادیق روایات، طراحی دقیق‌تری از روحیه و عملکرد ابرار شکل گرفت.

واژگان کلیدی

آسیب اجتماعی، انفاق، نیکی گسترده (بر)، نیکوکاران وسیع الحال (أبرار).

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۳

۱. دکترای مدیریت رسانه، دانشکده علوم ارتباطات و رسانه، دانشگاه تهران مرکز، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

v.mohammadi94@chmail.ir

۲. استاد دانشکده تولید، دانشگاه صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، تهران، ایران.

Khojastehhasan@Yahoo.Com

۳. استادیار جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

labibi_mehdi@yahoo.com

مقدمه

دنیا بستر تراحماتی است که گاه انسان‌ها را در محدودیت‌ها و محرومیت‌ها و اسارت‌ها قرار می‌دهد و فرصت‌های رشد را از افراد سلب می‌کند. البته همین دنیا محل بالندگی و شکوفایی قوای وجودی انسان‌ها و جامعه نیز است؛ و جامعه مجموعه‌ای از افراد است که در نسبت با هم سیر دارند بنابراین توجه و اهتمام به موقعیت‌ها و کمبودهای همدیگر باعث سرعت در این سیر و قوت در اداره جامعه خواهد شد. یکی از ابعادی که در چهارچوب دنیا تعلق گرفته است گره خوردن زندگی افراد به هم است که در تاروپود آن فرصت‌هایی برای رشد و ارتقا در آن قرار گرفته است. انسان‌های زرنگ این قواعد را شناخته و خود را هم‌راستا و منطبق با آن کرده‌اند. حُسن و نیکویی، در رفتار معمولی آن‌ها می‌درخشد و با همه افراد، با نگاه به فرصت‌های تعالی برخورد می‌کنند، گاهی این موارد نیازمند از خودگذشتگی در ابعاد مختلف است. زندگی انسان سراسر فراز و نشیبی است که او را در این وادی به استحکام و استقامت می‌کشاند. منتهی کسانی این گزاره را در نسبت با موفقیت خویش نمی‌پندارند چراکه زندگی و دنیا را محل اطمینان می‌دانند و به آن دلگرم هستند، بنابراین تمام توان خود را برای آبادی آن به کار می‌گیرند. در مقابل، کسانی هستند که به دلیل مقصد حقیقی باشکوهی که بدان اعتقاد دارند، خود را وقف در آستان حق می‌کنند. واژه «پر» یکی از مفاهیم این صراط مستقیم است که در نسبت با مقصد آدمی و میزان کوشش برای تحقق آن، معنا پیدا می‌کند. «پر» در توانایی ترجیح خواسته‌های دیگران بر خود و توان به توفیق رساندن آن‌ها در تمام عرصه‌ها رنگ پیدا می‌کند. این مفهوم با از خود گذشتن در نسبت با دیگران پررنگ می‌شود چراکه انسان وجود خود را با نیتی الهی در جریان جامعه برای مقصدی مقدس می‌گذارد، از خودگذشتنی که به پاس آن هم مشکلات مؤمنین به‌مرور کاهش می‌یابد و هم‌افق نگاه و سطح تعاملات افراد جامعه باهم افزایش می‌یابد.

پیشینه پژوهش

هر جامعه‌ای دارای آسیب‌ها و اختلالات متعددی است که بسته به میزان توانایی افراد و مدیران آن جامعه در استفاده بهینه از منابع و امکانات می‌تواند از بروز آن پیشگیری و یا در درمان آن توفیق داشته باشد. از این‌رو مطالعات مختلفی درباره مشکلات و آسیب‌های جامعه و از سوی دیگر درباره افراد موفق که سعی در آسیب‌زدایی اجتماعی از ساحت جامعه دارند صورت گرفته است.

- مواردی از تحقیقات ناظر به آسیب‌های اجتماعی و وضعیت شناسی موجود جامعه از منظر روانشناسی و جامعه‌شناسی است. نظیر کار تحقیقاتی «بررسی روان‌شناسی و آسیب‌های اجتماعی در جامعه» توسط یاسر مرادی در سال ۱۴۰۲ که منظر روانشناسی به آسیب اجتماعی دارد.



- بخش دیگری از تحقیقات ناظر به مسئله شناسی حاکمیت در مواجهه با آسیب‌های اجتماعی پرداخته‌اند. کار پژوهشی آقای داود خاتمی با عنوان «نقش حکومت‌ها و دولت‌ها در پیشگیری و کاهش بحران‌های اجتماعی و اقتصادی» در سال ۱۴۰۲ در همین راستا تعریف می‌شود. همچنین پژوهش آقای محمدرضا آقایی با عنوان آسیب‌شناسی جامعه دینی و نقش حکومت در آسیب‌زایی آن از منظر نهج‌البلاغه نیز در سال ۱۳۸۰ از همین زاویه وارد موضوع شده است.
- بخشی از تحقیقات متوجه ایثار و گذشت از خود، از منظر اخلاقی و گاه تأثیر گذشت بر افزایش سرمایه اجتماعی می‌پردازد. خانم سهیلی در سال ۱۴۰۲ و در مقاله ایثار اجتماعی در آموزه‌های قرآن و معارف اسلامی در سه لاسه ایثار را معرفی می‌کند و به طرح فضایل اخلاقی در سطوح جامعه و حاکمیت اشاره دارد.

آنچه به‌عنوان نقطه عطف در ساخت مقاله حاضر بناست انجام گیرد تصویرسازی از میدان مغناطیسی شخصیت‌هایی است که شعاع بزرگ‌منشی و سخاوت آن‌ها، آسیب‌ها و اختلالات جامعه را در خود هضم می‌کند. این تحقیق درصدد رونمایی از ویژگی‌های چنین شخصیت‌های عظیمی است که در جامعه حضور دارند و اتفاقاً نقش پررنگی در رفع گسست‌های اجتماعی ایفا می‌کنند.

مبانی نظری پژوهش

۳-۱. طبقه‌بندی مشکلات جامعه

هر موضوعی در جامعه وقتی در ساحات مختلف ورود پیدا می‌کند و ابعاد می‌گیرد در قالب تعاملات و روابط قابل طرح است و زمانی که همین روابط دچار اختلال می‌شوند و روند حرکتی و ساماندهی آن‌ها با اصطکاک مواجه می‌شود در قالب آسیب‌ها بررسی می‌شود.



شکل ۱. طبقه‌بندی نظام مسائل جامعه

وقتی تفصیل این دو قضیه در قالب جزئیات مرور می‌شود جدولی مشابه زیر ساماندهی می‌گردد که در آن مجموعه کنش‌ها و واکنش‌های اجتماعی قابل‌پیگیری است.

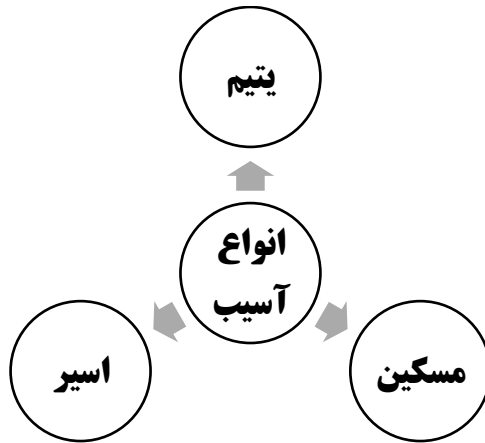
جدول ۱. طبقه‌بندی مسائل جامعه (نگارنده)

تعاملات و روابط	آسیب‌های جامعه
<ul style="list-style-type: none"> • روش مواجهه با یک پدیده و رخداد • جریانی از فعالیت‌های منطبق با روحیه و عرف افراد • معادله حاکم بر روابط افراد • نحوه آرایش امکانات • دادوستد و تعاملات • مقیاس‌پذیری و کمیت‌سازی فعالیت‌ها • بهینه‌سازی و صرفه‌سازی فعالیت‌ها • معادلات حاکم بر تعاملات افراد • فن‌ها و کنش‌های رفتاری و ... 	<ul style="list-style-type: none"> • اعتیاد و بیکاری و خشونت • بی‌اعتمادی اجتماعی و فقر اقتصادی • فساد و تبعیض اجتماعی • بی‌عدالتی در انواع ساحات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی • سست شدن و به‌روز نشدن در مبنای انقلاب اسلامی • مسائل اجتماعی نوپدید نظیر فضای سایبر • مشکلات اجتماعی محیط بر جامعه نظیر اختلال در تشکیل خانواده • سیاست‌های اقتصادی مخرب و ناکارآمد • مسائل آموزش‌وپرورش و ...

سوره مبارکه انسان، مشکلات جامعه را در سه بخش تبیین کرده است که در قالب سه مفهوم **مسکین**، **یتیم** و **اسیر** به معرفی آن‌ها می‌پردازد.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ هَلْ اَتٰی عَلٰی الْاِنْسَانِ حِیْنَ مِنَ الدَّهْرِ لَمْ یَكُنْ شَیْئًا مَّذْکُورًا (۱) اِنَّا خَلَقْنَا الْاِنْسَانَ مِنْ نُّطْفَةٍ اَمْشَاجٍ نَّبْتَلِیْهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِیْعًا بَصِیْرًا (۲) اِنَّا هَدٰیْنَاهُ السَّبِیْلَ اِمَّا شَاکِرًا وَاِمَّا کَفُوْرًا (۳) اِنَّا اَعْتَدْنَا لِلْکٰفِرِیْنَ سَلَاسِلًا وَاَغْلٰلًا وَّسَعِیْرًا (۴) اِنَّ الْاَبْرَارَ یَشْرَبُوْنَ مِنْ کَآسٍ کَانَ مِزْجُهَا کَافُوْرًا (۵) عِیْنًا یَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللّٰهِ یُفَجِّرُوْنَهَا تَفْجِیْرًا (۶) یُوْفُوْنَ بِالَّذِیْنَ وَاٰخَافُوْنَ یَوْمًا کَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِیْرًا (۷) وَیُطْعَمُوْنَ الطَّعَامَ عَلٰی حَبِہٖ مِنْکَبِیْنًا وَتِیْمًا وَّاسِیْرًا (۸)^۱

۱. به نام خداوند بخشنده بخشایشگر. آیا زمانی طولانی بر انسان گذشت که چیز قابل‌ذکری نبود (۱) ما انسان را از نطفه مختلطی آفریدیم و او را می‌آزماییم؛ (بدین جهت) او را شنوا و بینا قرار دادیم؛ (۲) ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد (و پذیرا گردد) یا ناسپاس؛ (۳) ما برای کافران، زنجیرها و غل‌ها و شعله‌های سوزان آتش آماده کرده‌ایم؛ (۴) به‌یقین ابرار (و نیکان) از جامی می‌نوشند که با عطر خوشی آمیخته است، (۵) از چشمه‌ای که بندگان خاص خدا از آن می‌نوشند و از هر جا



شکل ۲. انواع آسیب در جامعه (نگارنده)

در تشریح عملیاتی مفاهیم فوق باید گفت که یتیم یعنی کسی که سرپرست ندارد. مسکین کسی است که توان عمل ندارد. فقدان سرپرستی در یتیم موجب می‌شود که مراحل بلوغ مشکل ایجاد شود و یتیم به بلوغ عقلی، عاطفی و غیره نرسد؛ بنابراین هر کس در مرحله‌ای از بلوغ به دلیل نداشتن سرپرست گرفتار شود یتیم است. فقدان سرپرست با قبول نکردن سرپرستی کسی متفاوت است. یتیم دچار فقدان سرپرست است و اختلال در بلوغ دارد. مسکین کسی است که توان تأمین رزق ندارد و در واقع اختلال در رزق دارد. این اختلال روزانه و ماهانه و سالانه است ولی اختلال در بلوغ یک اختلال دوره‌ای است و رزق مربوط به حال فرد است. ممکن است که کسی هم یتیم و هم مسکین باشد که برآیند هر دو عدم رشد است و رشد به معنای برخورداری از هدایت است. در حقیقت خارج نشدن از ظلمات به دو دلیل است، یا شخص در تأمین رزق یا در تأمین مرحله رشد مشکل دارد. پس اکرام یتیم، اصلاح مراحل بلوغ فرد است؛ و برای مسکین باید فراهم‌سازی رزق کرد؛ یعنی جریانی تولید کرد که رزق مسکین تأمین شود. اکرام و اطعام دو شأن مادی و معنوی دارد و تقریباً یا به تحقیق تمام نارسایی‌های جامعه حاصل این دو آسیب است و هر کسی که نقضی در هدایت و رشد دارد ناشی از یک یا هر دوی این آسیب‌هاست. در روایات آمده است که هر کس امام ندارد، یتیم است و به همین منوال هر که از رزق امامش بی‌بهره است مسکین است. در تعریفی دیگر می‌توان چنین بیان کرد که سطح فکری محدود افراد به‌نجوی که کارایی و توان اندیشه و کارآفرینی را نداشته باشند از مصادیق مادی مسکین هستند. اگر کسی طبق سوره فجر اکرام یتیم و اطعام مسکین نکرد، همان اتفاقی که برای امام حسین (علیه‌السلام)

بخوانند آن را جاری می‌سازند! (۶) آن‌ها به نذر خود وفا می‌کنند و از روزی که شر و عذابش گسترده است می‌ترسند، (۷) و غذای (خود) را باینکه به آن علاقه (و نیاز) دارند، به «مسکین» و «یتیم» و «اسیر» می‌دهند! (۸)

افتاد دوباره اتفاق می‌افتد. این همان چرخه معیوبی است که استکبار در آن جاری می‌شود و روزبه‌روز جلوتر می‌رود، در چنین شرایطی شخص مؤمن ذبح می‌شود و نفس‌های مطمئنانه دیگر را ذبح می‌کنند. اسیر نیز در حقیقت، قلبش در بند دیگران است، نوع خاصی از اسارت که در تمام تعلقات و خواسته‌ها و طلب‌ها از طریق اراده کسانی دیگر رقم می‌خورد و هرچند خود به رضایت به این مسیر قدم گذاشته باشد اما در ادامه بقا یا تظاهر دنیوی به اجرای منویات مالکان خویش روی می‌آورد و این اعم از شیاطین انس و جن می‌تواند باشد که افسار وجود آدمی را به هر سو می‌کشاند. در یک نگاه تطبیقی به نظر می‌رسد اسارت محل استضعاف یتیم و مسکین را توأمان دارد و به همین دلیل مستعد تبدیل به سعیر است که تمام وجودش را بی‌آنکه بداند یا نداند سراسر گداختگی نفسانیت پر کند و این تنها با اطعام و اکرام می‌تواند از اسارت نجات یابد.

جدول ۲. ابعاد آسیب‌های اجتماعی (نگارنده)

انواع آسیب	توضیحات
مسکین	آن دسته از افرادی هستند که قفل و زمین‌گیر شده‌اند و توان زندگی کردن را ندارند و بیشتر ناظر به مسائل اقتصادی است.
یتیم	به معنای عدم وجود سرپرست و راهبر است و در واقع علم و عقل لازم را برای درک امور و انجام تکلیف ندارد.
اسیر	بخشی از افراد که به دلایلی نظیر نیازمندی‌های اولیه و یا حتی طمع و در گرو افرادی هستند که ملزم به رعایت خواسته آنان هستند و بدین‌گونه اسیر در شعله تعلقات آنان شده‌اند.

نکته جالب‌توجه این است که در چند آیه قبل در تشریح کافران، آنان را با سه صفت **سلاسل** و **اغلال** و **سعیر** یاد می‌کند، با کمی تأمل در این امر مشخص می‌شود که سلاسل به معنای گردنبندی است که اجازه تحرک و چرخاندن گردن و بالا و پایین آوردن سر را می‌گیرد بنابراین به وجهی از محدودیت کفر اشاره می‌کند که مانع از دیدن و توجه کردن می‌کند و این ناظر به عدم وجود تفکر و تعقل است.

در وصف دیگری با اشاره به اغلال، آن را به زنجیری که به دست می‌زنند و مانع انجام کار توسط فرد می‌شود، معنا کرده‌اند و در حقیقت اشاره به قفل بودن قوه اجرایی انسان دارد؛ و در توصیف آخر کفر را با واژه سعیر که به معنای شدت حرارت و التهاب است معرفی می‌کند و به نظر می‌رسد وجهی از محدودیت است و به دلیل اینکه دائماً با هدفی که به خاطرش خلق شده، فاصله می‌گیرد و این را درون

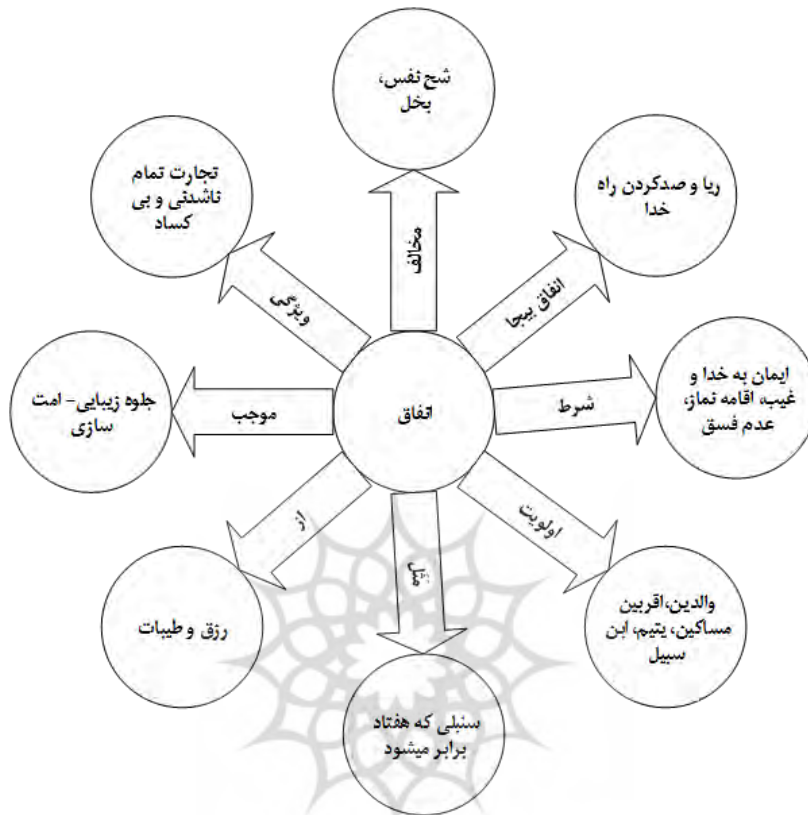


خود وجدان می‌کند، دائماً خود را در حال عذاب می‌بیند. در حقیقت سعیر، درجه‌ای از ضلالت است که بدون توجه به سمع و بصر خود و عدم ایمان به خدا و عدم پذیرش اوامر رسول و محرومیت از رحمت خدا و مستحق لعن خدا شدن به چنان شدت و التهایی از گمراهی رسیده که تمام نعمات خود را کور کرده است و با قبول دعوت شیطان و تبعیت امر او و حرام‌خواری و دعای عملی فساد انگیزی در قشر ضعیف جامعه و یتیمان، وارد حزب شیطان شده و همین دلایل، گور آتشی در وجودش به راه انداخته که امکان و توان استغفار و طاعت اوامر خدا را از خودش سلب نموده است و همواره وجودش در عذاب است. بنابراین اگر ما جزء کافرانی باشیم که دچار سلاسل و غلّ و سعیر باشیم اما حرکت کنیم و سراغ اهلس برویم و طعام بخواهیم ناممان را مسکین، یتیم و اسیر می‌گذارند و دیگر به ما «کافر سلاسی»، «کافر اغلالی» یا «کافر سعیری» نمی‌گویند، آنگاه می‌توانیم «یطعمون الطعام» شویم و اینجاست که وجود ابرار چنان خود را می‌نمایند که در حقیقت بسان چشمه‌ای از انحراف اعتقادات دیگران جلوگیری می‌کنند و آن‌ها را به وجهی از توان می‌رسانند که جامعه را از آسیب‌های متعدد اعتقادی و اجتماعی نجات می‌دهند.

۳-۲. انفاق

انفاق در لغت به معنای خارج کردن مال از ملک است یعنی بخشیدن از وجود خود است و نفاق نیز از این‌روی، به معنای خروج کفر از ایمان است. در حقیقت با توجه مشکلات موجود که در سطور قبل ذکر شد و جامع آسیب‌های جامعه است، انفاق‌های مؤمنین باید این خلأها را پر کند. به نظر می‌رسد تمام انفاق‌هایی که دستورات دین، ما را تبع اجرای آن می‌داند بر وجه اجتماعی آن نظر دارد چراکه با انفاق، بخشی از شکاف‌های جامعه توسط این انفاق‌ها پوشیده می‌شود و این ناظر به این بخش از آیه «لن تنالوا البر حتی تنفقوا» است که ابرار شدن را درگرو انفاق می‌داند و اما بخش اخلاقی آن را می‌توان در ادامه آیه ملاحظه کرد که اشاره به «مما تحبون» دارد، پس به نظر مهم می‌آید که حتی انفاق با چه رویکردی صورت گیرد. ۵۰ آیه از آیات قرآن کریم درباب انفاق است که درباره موضوعات مختلف و شرایط آن بیان شده است اما آن بحثی که در اینجا بدان اشاره می‌شود در ارتباط با موارد انفاق و اثرات آن است و البته در ادامه به «أنفقوا مما تحبون» که درواقع انفاق آنچه حُبّ آن‌ها در دل است، اشاره می‌شود.

پس از دسته‌بندی و عنوان‌بندی آیات مربوط به انفاق، می‌توان نمودار آن را به‌صورت زیر ترسیم کرد که در آن به حقیقت انفاق، آثار آن در خود فرد منفق و آثار آن در جامعه، موارد مصرف انفاق در جامعه، جلوگیری از مشکلات جامعه و... اشاره شده است.



شکل ۳. ابعاد متفاوت در انفاق (نگارنده)

طبق نمودار فوق گویاست که انفاق کنندگان انسان‌های باهوشی هستند و به واسطه حقیقت‌بینی، رفتارهایشان را طبق آن حقایق تنظیم می‌کنند و به واسطه دادن و بخشیدن مالی، مشمول قاعده تضاعف می‌شوند:

مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سَنَابِلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (سوره بقره، ۲۶۱)^۱

۱. مثل (انفاق) کسانی که اموالشان را در راه خدا انفاق می‌کنند مثل دانه‌ای است که هفت خوشه برویاند، در هر خوشه‌ای یکصد دانه باشد (پس انفاق هر چیزی هفتصد برابر پاداش دارد) و خداوند برای هر که بخواهد (و حکمتش اقتضا کند) چند برابر می‌کند و خداوند (از نظر وجود و توان و رحمت) دارای وسعت است و داناست.



همچنین با توجه به آیه ذیل محسنین چنان در دایره محبت خدا قرار می‌گیرند که همواره موجب تابش حُسن در جامعه می‌شوند و جلوه جامعه را طبق قاعده تضاعف به میزان چندین برابر زیباتر جلوه می‌دهند. وَ اتَّقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (سوره بقره، ۱۹۵)^۱

بنابر آیه فوق، کسانی که خود را از این امر محروم سازند، به‌مثابه این است که خود را به دست خود از یک نعمت بزرگ دریغ کرده و به هلاکت انداخته‌اند؛ بنابراین در انفاق و معامله با خدا، نه‌تنها بخشیدن و انفاق، به معنای از دست دادن نیست بلکه در یک تبدیل عظیم با وسعتی چند برابر سودش به خود انسان برمی‌گردد. منتهی طبق ظواهر رفتار کردن موجب می‌شود که انسان چنان به آن یک دانه دل ببندد و نتواند آن را برای چند صباحی از خود جدا کند تا طبق نعمت خدا در زمینی که برای رشد دادن است نکارد، خودبه‌خود جزو محروم‌ترین‌های عالم به حساب می‌آید.

نکته جالب دیگری که با توجه در آیه زیر به دست می‌آید این است که در دشمن درصدد ایجاد خلل از طرق مختلف است و اتفاقاً وجود مشکلات در جامعه دینی را ناشی از غیر کارآمدی سیستم دینی می‌داند منتهی خدا، علاوه بر پاسخ قاطع آن‌ها، به تبیین دشمنی و فسادطلبی‌شان و عدم فهم از ولایت خدا و غره شدن به نظام خود می‌داند.

وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ وَكَيَزِدَنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنَ رَّبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا وَآلَقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ (سوره مائده، ۶۴)^۲

توجه به آیه فوق ابعاد مسئله را چنان وسعت می‌دهد که نه‌تنها انفاق را در وجه اخلاقی و اجتماعی برای جامعه ضروری فرض می‌کند، بلکه آن را موجب قوت حاکمیتی می‌داند و اتفاقاً این منظر را یکی از مهم‌ترین بخش‌ها در توجه به ابعاد احکام تشریح اسلام برمی‌شمارد.

از نظر گذراندن آیه زیر در این فرصت بسیار مغتنم است چرا که جامع سخنان فوق است و حقیقت نیل به

۱. و در راه خدا انفاق کنید و (به‌واسطه ترک انفاق در راه جهاد، یا صرف آن در غیر راه خدا) خود را به دست خود به هلاکت نیفکنید و نیکی کنید که بی‌تردید خداوند نیکوکاران را دوست دارد.

۲. و یهود گفتند: دست خدا در بند است (هم در مرحله تشریح و از این‌روست که احکام دین چه در تورات و غیر آن قابل نسخ نیست و هم در انفاق به مردم و گرنه چرا مؤمنان همه فقیرند و خود از مردم وام می‌خواهد) دست‌های خودشان در بند باد و به سزای گفتارشان از رحمت خدا دور باشند! بلکه هر دو دست (قدرت) او همواره باز است و قدرت کامله او همیشه محفوظ است (احکام و شرایع را نسخ می‌کند و نسبت به دوستان و دشمنان، در دنیا و در آخرت) هر گونه اراده نماید انفاق می‌کند؛ و حتماً آنچه به سوی تو از جانب پروردگارت نازل شده بر سرکشی و کفر بسیاری از آنان خواهد افزود؛ و ما میان آنان (یهود و نصاری و فرقه‌های آن‌ها با یکدیگر) تا روز قیامت دشمنی و کینه افکنده‌ایم؛ هر بار آتشی را برای جنگ (با مسلمانان) افروختند خداوند آن را خاموش نمود؛ و آن‌ها در روی زمین راه فساد می‌پویند و خداوند مفسدان را دوست ندارد.

چنین نقشی راه، در جامعه تصویر می‌کند تا بتواند هم در مقام اخلاقی خود را از منیت و نفسانیت نجات دهد، هم در وجه اجتماعی موجب رشد و یاری دیگران باشد و هم در بستر حاکمیتی مفید استحکام حکومت دینی باشد و تمامی این گزاره‌ها در گرو صیوریت و شدن و رسیدن افراد به اوج از خودگذشتگی است که در فرهنگ قرآنی از آن با عنوان «برّ» یاد می‌شود و صاحبان چنین صفتی را ابرار می‌نامد.

لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ (سوره آل عمران، ۹۲).^۱

در آیه فوق به نهایت انفاق که رسیدن به برّ و فراوانی نیکی است، اشاره شده است. به نظر می‌رسد انفاق سهم تمام اعضای جامعه باشد که برای هم‌کیشان خود ابراز می‌دارند ولی برّ صفتی است که به واسطه «انفاق مما تحبون» دارای ویژگی‌های خاصی شده است.

۳-۳. برّ (نیکی گسترده)

ایثار در عرف به معنای گذشت از خود و ترجیح دیگری بر خود است. با بررسی واژگانی و فرهنگ قرآنی، با معنای جامعی از «برّ» پرداخته می‌شود که در واقع به‌عنوان ستون‌های جامعه در توجه اجتماعی و توجه به کمبودهای اجتماع و گذشت از منافع خود در قبال جامعه محسوب می‌شوند.

۳-۴. معناشناسی لغوی

به معنی حُسن عمل در برابر دیگری است و به اعتبار افراد متفاوت است. مثلاً برّ عید به مولی یعنی طاعت و امتثال امر، برّ نسبت به زیر دستان یعنی احسان و لطف به آن‌ها، برّ پدر به فرزند در تربیت و تأمین احتیاجات اوست و برّ فرزند به پدر خضوع و خدمت اوست. برّ، نوعی توسعه دادن و گستره در فعل خیر است. نقطه مقابل - بحر - یعنی خشکی است، در واژه بحر تصور گستردگی و وسعت می‌رود و - برّ - یعنی خشکی از آن مشتق شده است. فزونی و وسعت در خیر و نیکی است و گاهی این صفت به خدای تعالی نسبت یافته است. برّ (به فتح اول) خشکی، از این معنی توسعه به نظر آمده لذا، توسعه در خیر برّ (به کسر اول) گفته شده است؛ و معنای اصلی کلمه خشکی است و چون خشکی توأم با وسعت است بدان سبب به نیکی وسیع برّ (به کسر اول) و به بسیار نیکی کننده برّ (به فتح اول) گفته‌اند (قریشی، ۱۳۷۸).

❖ بنابراین برّ در لغت به معنای نوعی توسعه و فراخی بال و به دور از اضطراب و التهاب است.

❖ ابرار کسانی هستند که با آرامش واصل از جانب خدا، موجب تسکین جامعه از التهاب مشکلات هستند.

۱. هرگز به نیکی (کامل) نمی‌رسید تا از آنچه خود دوست دارید انفاق نمایید؛ و هر چه انفاق نمایید تماماً خداوند بدان داناست.



۳-۵. معناشناسی ابرار در قرآن

زندگی انسان در خشکی شکل گرفته است. زمین به عنوان بستری که آب را در خود جاری ساخته و رویش را ممکن ساخته، امکانات حیات را برایش مهیا کرده است. برّ در مقابل بحر به محل زندگی در خشکی گفته می‌شود که لوازم حیات در آن مهیا باشد. لذا در این کلمه حیات نهفته است و برای توسعه زندگی باید برّ دارای توسعه کمی و کیفی باشد.

وَ إِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِلَٰهًا فَلَمَّا نَجَّكُمْ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ وَ كَانَ الْإِنْسَانُ كَفُورًا (سوره اِسراء، ۶۷)^۱

بر اساس آیات شریفه قرآن که تجربه بشری نیز آن را تأیید می‌کند، انسان قادر به زندگی در آب نیست و تنها می‌تواند در مدت کمی در آن به صورت سیروسفر زندگی کند. زندگی در خشکی می‌تواند توأم با فساد یا صلاح باشد. این اختیاری است که خداوند به انسان داده است که صلاح خود را اختیار و از درون به جوشش و فوران معنوی دست یابد. طبق آیه فوق برّ عامل نجات انسان است و در صورت اختلال در آن، زندگی او مختل می‌شود.

أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنفُسَكُمْ وَ أَنتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ (سوره بقره، ۴۴)^۲

• برّ، ناظر به وجه عملیاتی است و با جاری گشتن در وجود آدمی، به مثابه امر به معروف و رفتار معروف در جان جامعه نیز جاری می‌شود.

لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُولُوا وَجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ وَ لَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ الْكِتَابِ وَ النَّبِيِّينَ وَ آتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينَ وَ ابْنَ السَّبِيلِ وَ السَّائِلِينَ وَ فِي الرِّقَابِ وَ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ آتَى الزَّكَاةَ وَ الْمُؤْمِنُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَ الصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ حِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ (سوره بقره، ۱۷۷)^۳

۱. و چون در دریا شما را سختی و آسیبی رسد (که سبب ترس از غرق شود) همه آن‌هایی که (به پرستش) می‌خوانید (از فکرتان) محو می‌شود، جز او (که فقط توجه به او می‌ماند)؛ و چون شما را نجات داده به خشکی رساند، روی می‌گردانید و انسان همواره بسیار ناسپاس است.

۲. آیا مردم را به نیکی فرمان می‌دهید و خود را فراموش می‌کنید در حالی که شما کتاب (آسمانی) را تلاوت می‌کنید؟! آیا نمی‌اندیشید؟!

۳. تنها اینکه روی‌های خود را (برای عبادت) به سوی مشرق و مغرب بگردانید نیکی نیست و لکن نیکی حقیقی (ایمان و رفتار) کسی است که به خداوند و روز آخرت و فرشتگان و کتاب (آسمانی) و پیامبران ایمان آورد (به مبدأ و معاد و اصول اعتقادی میان آن دو ایمان آورد) و مال خود را بآنکه آن را دوست (و بدان نیاز) دارد روی محبت خدا به خویشان و یتیمان و فقیران و در راه ماندگان و سائلان و در (راه آزادی) بردگان بدهد و نماز را برپا دارد و زکات بپردازد و (وفای) وفاداران به پیمان خویش آنگاه که پیمان ببندند و به‌ویژه (استقامت) شکیبایان در

- عمل به برّ تنها در انجام ظواهر اعمال عبادی نیست و وجوه و لایه‌های برّ در وجود انسان عبارت‌اند از:
- اعتقادی: ایمان به خدا و معاد و ملائکه و کتاب و پیامبران و ...؛
 - اعمالی: انفاق مال با وجود دوست داشتن آن و اقامه نماز و ایاتی زکات؛
 - صفاتی: وفای به عهد و صابر به هنگام بلا و اینها همان صادق‌اند و متقی‌اند؛
 - صدق و تقوا در تطابق همه وجوه انسانی است.

در آیه فوق برّ را در قالب کسانی که متصف به این صفت هستند معرفی می‌کند، درواقع اگر این انسان‌ها نباشند سبب زندگی معنوی به‌کلی قطع می‌شود. نقش ابرار در زندگی، یادآور اهمیت همه ارزش‌های توحیدی و الهی است. درواقع این افراد همانند قبله عمل می‌کنند و توجه افراد و جوامع را به رب‌العالمین معطوف می‌دارند. بدین ترتیب برّ به معنای برخوردها و تعاملات شایسته‌ای است که به‌صورت فعل، عمل و عکس‌العمل‌های آشکار و نهان بروز می‌یابد. مبنای شایستگی این تعاملات، خواست و رضایت خداوند است که بر پایه خروج از خودپسندی شکل می‌گیرد و در آن توسعه کمی و کیفی زندگی معنوی، تزکیه و ابتغای وجه خداوند در نظر گرفته شده است.

وَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ عُزُضَةً لِأَيْمَانِكُمْ أَنْ تَبَرُّوا وَتَتَّقُوا وَتُصَلِّحُوا بَيْنَ النَّاسِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (سوره بقره، ۲۲۴)^۱

- عمل برّ و تقوا و اصلاح بین مردم نیازی به سوگند ندارد.

- برّ وعده دادنی نیست که برای انجام آن سوگند یاد شود بلکه امری عملی است و به هنگام جاری شدن در مؤمنین جامعه اثرات خود را خواهد گذارد.

يَسْأَلُونَكَ عَنِ آلِ هِرَاقَةَ قُلْ هِيَ مَوَاقِبُ لِلنَّاسِ وَالْحَجُّ وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَىٰ وَآتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (سوره بقره، ۱۸۹)^۲

- رعایت میقات و اصول است که عین وارد شدن بر خانه از در آن است و غیر این راه یعنی از پشت‌بام

سختی مالی و ضرر جسمی و هنگام جهاد است. آن‌ها هستند که راست گفته‌اند و آن‌ها هستند که پرهیز کارند. (و بالجمله نیکی در سه بعد اعتقادی و عملی و اخلاقی است.)

۱. و خداوند را در معرض سوگندهای خود قرار ندهید و نیکی کنید و تقوا داشته باشید و میان مردم اصلاح کنید و خداوند شنوای داناست.
۲. از تو درباره ماه‌های نو (و حکمت تغییر شکل آن‌ها از هلال تا بدر) می‌پرسند، بگو: آن‌ها وسیله تعیین اوقات تقویم طبیعی برای کارهای دنیوی مردم و (برای وقت حج (و سایر اعمال دینی دارای وقت معین) است؛ و نیکی آن نیست که به خانه‌ها از پشت آن‌ها درآیید (مانند سنت جاهلیت که محرم باید به خانه خود از پشت دیوار وارد شود نه از در ورودی) و لکن نیکی (عمل) کسی است که (از گناه) می‌پرهیزد و به خانه‌ها از درهای آن‌ها درآید و از خدا پروا کنید، شاید رستگار گردید.



ورود کردن است، از پس زمینه‌های بر (ایثار) است.

- رعایت نظم و هماهنگی و پیروی از اصول منطقی و عقلی و وحی، عین تقوا است.
لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ (سوره آل عمران، ۹۲)^۱
- رسیدن به بر، جز از راه انفاق از دوست‌داشتنی‌های خود میسر نیست.
- بر، با عدم انفاق دوست‌داشتنی‌ها، ظاهرگرایی احکام و مسیر غیرمنطقی (عقل و وحی) حاصل نمی‌شود.
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَجْلُوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْأَقْلَادَ وَلَا أَمِينَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَتَّبِعُونَ فَضْلًا مِنْ رَبِّهِمْ وَرِضْوَانًا وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ أَنْ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (سوره مائده، ۲)^۲
- مؤمنین به امر تعاون و یاری همدیگر در بر و تقوی و عدم تعاون در اثم و عدوان موظف شده‌اند
- تقوا به معنی رعایت حدود و شعائر خداست و تعاون بر به معنای دوری از اجتماع با محوریت اثم و عدوان که تعدی و سلب امنیت از مردم است اشاره دارد و حمایت از تقوا و شعایر می‌کند.
رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَقَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ- (سوره آل عمران، ۱۹۳)^۳
- اقرار ایمان و دعا و طلب برای غفران و بخشیده شدن سیئات، اعمال اولی الالباب است.
- استفاده صحیح از نعمات خداوند در دریافت رحمت خدا طریقت ابرار است.
- معیت با ابرار در همدیگر شدن با آن‌ها در جنت نهایت دعای خردمندان است.
- ابرار مقامی دارند که اولی الالباب آرزوی آن را می‌کنند.

۱. هرگز به نیکی (کامل) نمی‌رسید تا از آنچه خود دوست دارید انفاق نمایید؛ و هر چه انفاق نمایید حتماً خداوند بدان داناست.

۲. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، حرمت نشانه‌های (توحید و پرستش) خدا (مانند اعمال حج و عمره و مکان‌های آن عبادات) و حرمت ماه‌های حرام (که رجب و ذی‌قعد و ذی‌حجه و محرم است) و حرمت قربانی بی‌نشان و قربانی قلاده در گردن و حرمت قاصدان بیت‌الحرام را که فضل و خشنودیی از پروردگارش را می‌طلبند نشکنید؛ و چون از احرام درآمدید می‌توانید شکار کنید و عداوت گروهی بدین جهت که شما را از مسجدالحرام بازداشتند شما را وادار نکند که (بر حقوق آن‌ها) تجاوز کنید؛ و در هر کار خیر و تقوا یکدیگر را یاری دهید و بر گناه و تجاوز همکاری نکنید و از خدا پروا نمایید، که همانا خداوند سخت کیفر است

۳. پروردگارا، همانا نداده‌اندای را شنیدیم که به ایمان دعوت می‌کرد که به پروردگارتان ایمان آوردید؛ ما هم ایمان آوردیم؛ پروردگارا، پس گناهانمان را بر ما ببخش و بدی‌هایمان را از ما بزدای و ما را در زمره نیکوکاران بمیران

لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نُزُلًا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ لِلْأَبْرَارِ
(سوره آل عمران، ۱۹۸)^۱

- آنچه نزد خداست و باقی است بهترین برای ابرار است و ابرار از متاع قلیل چشم پوشیده‌اند.
- تقوا موجب بهره‌مندی از وجه باقی خداست و بهشت بساط (مه‌داد) متقین است که ابرارند.
- تقوا از عناصر ابرار است و ابرار به اعتبار دائمی بودن انجام عمل خیر در محضر خدا هستند.

إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا (سوره انسان، ۵)^۲

- عطش و نیاز ابرار، دائمی است و رفع آن نیز به صورت همیشگی از جامی (کأس) با مختصات معین صورت می‌گیرد. کافوری بودن مزاج كأس، نشان از جذب تمام شرور و ابراز کردن عطر خیرهاست.
- ابرار از چشمه‌ای که عبادالله از آن می‌خورند سیراب می‌شوند (هم‌جنس بودن نیاز و رفع نیاز ابرار و عبادالله)
- ابرار شاکرانی هستند که تمام امکانات دنیا را در مسیر عقبی به کار می‌گیرند. آن‌ها سبیل هدایت را شناخته‌اند و در آن مسیرند.

إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ (سوره انفطار ۱۳ و ۱۴)^۳

- ابرار در نعمت و فجار در جحیم‌اند.
- فاجر به اعتبار انشقاق حالت کریمانه که با ظهور نشانه‌های خودخواهی است، بیان می‌شود.
- غره شدن نسبت به کرامت رب، موجب فجور می‌شود.
- علم و توجه به یوم‌الدین، حافظین موجب تواضع نسبت به رب کریمی است که مایه و باعث خلق و تسویه و عدل شده است.
- رفتار ابرار چون از جنس کرامت خداست موجب غره شدن فجار است.
- ابرار ملک خدا را درک کرده‌اند و امر خدا را در آن شناخته‌اند.

B لکن آنان که از پروردگارش پروا داشته‌اند، برای آن‌ها بهشت‌هایی است که از زیر (ساختمان و درختان) آن‌ها نهرها جاری است، در آنجا جاودانه‌اند، به‌عنوان نخستین پذیرایی از جانب خدا و آنچه در نزد خداست (از رضوان و نعم ابدی) برای نیکوکاران بهتر است.

^۲ بی‌تردید نیکان (در آن جهان) از جامی می‌نوشند که آمیزه آن کافور (سرد و خوشبو) است.

^۳ بی‌تردید نیکان (در آخرت) در نعمتی فراوانند.



كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عَلِّيَيْنَ (سوره مطففین، ۱۸)^۱

- ابرار و فجار مقابل هم‌اند و ابرار مشهود مقربین هستند.
- کتاب ابرار و قواعد زندگی آن‌ها در علیین است که نشان‌دهنده مدل و سبک و وقار قواعد زندگی است.

إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ (سوره مطففین، ۲۲)^۲

- خلود در نعیم هستند و در اریکه عالم از افق بلند، با وسع نظر دقت می‌کنند.
- مواجهه آنان با مسائل، موجب آفرینش بهجت است.

كِرَامٍ بَرَرَةٍ (سوره عبس، ۱۶)^۳

- دائماً به‌عنوان حاملان ذکر در حین تذکره رساندن هستند.
- این حالت را با وسعت فعل و کریمانه انجام می‌دهند (برگونه).

معناشناسی ابرار در روایات:

در ادامه برای جامعیت و درک صحیح رفتار برگونه به سراغ منبع مهم دیگر یعنی روایات رفته تا از حقیقت وجود ابرار و سیر زندگی عملی آن‌ها مطلع شویم:

أَحْمَقُ النَّاسِ مَنْ يُتَمَنَّعُ الْبِرَّ وَ يَطْلُبُ الشُّكْرَ وَ يَفْعَلُ الشَّرَّ وَ يَتَوَقَّعُ ثَوَابَ الْخَيْرِ^۴

- عاقل به مسلک بر است و بر داشتن، از نشانه‌های عقل و علامات شاکر بودن است.
- دنیا بهترین و ممکن‌ترین بستر برای وسعت گرفتن و اوج گرفتن است و از نادانی و بیچارگی است که فرصت سوز این عالم بود. نشانه آن این است که انسان دائماً متوقع و مترصد و دنباله‌رو خیر خوبی‌هاست و این در نهاد او نهفته است و چگونه این امر با پرداخت او به اعمال ناشایست ممکن خواهد بود؟

مَنْ أَتْبَعَ الْإِحْسَانَ بِالْإِحْسَانِ وَ اخْتَمَلَ جَنَائِبَ الْإِخْوَانِ وَ الْجِيرَانَ فَقَدْ أَكْمَلَ الْبِرَّ^۱

۱. چنین نیست (که حسابی در کار نباشد)، همانا نوشتار و کارنامه پادش نیکان در علیین است.

۲. به یقین نیکوکاران در نعمتی فراوانند.

۳. گرامیانی نیکوکار.

۴. نادان‌ترین مردم یا کم‌عقل‌ترین ایشان کسی است که منع نیکی می‌کند و طالب شکر است و بدی می‌کند و توقع پاداش نیکو دارد (تصنیف

غررالحکم و درر الکلم، ص. ۴۱۹)

- نوعی از برّ در خصوص عکس‌العمل در برابر دیگران آشکار می‌شود.
 - ماهیت برّ احسان در برابر دیگران، خطاپوشی، گذشت و جبران اشتباهات است.
- الْبِرُّ عَمَلٌ مُّصْلِحٌ ۲ جَمَاعُ الْخَيْرِ فِي أَعْمَالِ الْبِرِّ ۳
- برّ عملی اصلاح‌کننده است و به مجموعه خیر و خوبی‌ها گفته می‌شود.
- با تجمیع آیات و روایات درباره برّ، سه وجه این کلمه روشن شد که تعریف آن‌ها بدین شکل است:

جدول ۳. نظام واژگانی ابرار (نگارنده)

نظام واژگان	توضیحات
برّ	صفتی است با مؤلفه‌های مشخص توجهی و ایمانی و علمی و فعلی و رفتاری
أبرار	کسانی هستند که متصف به صفت برّ هستند.
کتاب الأبرار	حقیقی که به صورت ثبت شده، تمام سکناات و حرکات ابرار در آن جلوه دارد.

همچنین با توجه به بررسی آیات فوق که از تمام جهات سعی در تبیین چیستی برّ و طریقت صاحبان متصف به آن داشت، مشخص گردید که ابرار به لحاظ مرتبه در پیشگاه خدا جزو بهترین بندگان خدا هستند به طوری که:

- ابرار محل آرزوی اولی الالباب (صاحبان عقل) هستند.
- کتابشان در علین است و افق آن‌ها عبدالله است و هم‌مشرّب مقربین هستند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر با استفاده از تحلیل محتوای کیفی و با دقت نظر در آیات قرآن، مخصوصاً سوره‌های انسان و مطففین صورت گرفته است. روش پژوهش پیش‌رو بر مبنای هدف، بنیادی است که در آن مبنای تحقیق و بررسی‌ها، متن آیات قرآن بوده است. گردآوری اطلاعات به روش اسنادی و کتابخانه‌ای است. بررسی‌ها به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده و در ادامه، برای تحلیل داده‌ها و دستیابی به نتایج، از روش استدلال قیاسی بهره گرفته شده است. روایات در بخش تحلیل داده‌ها و یافته‌های تحقیق، به تدقیق مسئله و شناخت آن وزانت خاصی داده است و تمامی این روندها به صورت تناظری در نسبت با

۱. کسی که در برابر احسان دیگران به آن‌ها احسان کرده و در برابر ظلم‌های برادران و همسایگان خود را به تغافل بزند برّ را کامل کرده است

(تصنیف غررالاحکم و درر الکلم، ص. ۴۲۰)

۲. نیکوئی عملی است که حال این کس را در آخرت و دنیا به صلاح آورد. (تصنیف غررالاحکم و درر الکلم، ص. ۴۴۹)

۳. همه خیر در اعمال برّ است. (تصنیف غررالاحکم و درر الکلم، ص. ۴۴۹)



مسائل اجتماعی ثبت شده است. به این نحو که مسائل اجتماعی در ابتدای امر در قالب مطالعات پیشین احصا شده است و در ادامه به مفاهیم برپایه و متناظر آن در قرآن رسیده است. امتداد این نشانه روی در قرآن و به مدد روایات، به ارائه یک راهبرد عمومی در عرصه مدیریت آسیب‌های اجتماعی منجر شده است که عینیت آن در بخش یافته‌ها و نتایج موردبررسی قرار گرفته است.

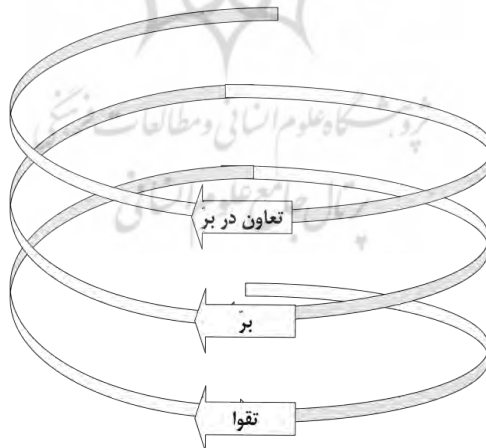
یافته‌های پژوهش

۱-۵. ابعاد وجودی ابرار

در ادامه با استفاده از داده‌های تحلیلی فوق به جمع‌بندی مدل نیکی وسیع در قالب مفهوم ابرار پرداخته می‌شود و ذیل آن، زوایای مختلف اثرگذاری اجتماعی این افراد نیز بررسی می‌شود تا شکوه وجودی این افراد بیشتر روشن گردد. با توجه به آیات فوق، ابرار آن دسته از افرادی هستند که به درجه‌ای از بلوغ اجتماعی دست‌یافته‌اند که توانایی فعالیت در جامعه را با قابلیت قوت بخشیدن به دیگران همراه کرده‌اند و این جز به طریق حبّ و ترجیح دیگران بر خود میسر نیست و اگر غیر این باشد حتماً اختلالات متعددی را در بروزات آن شاهد خواهیم بود.

۲-۵. سیر رشد ابرار

با توجه به مطالب فوق، در بیان سیر رشد ابرار به چنین تصویری می‌توان اشاره کرد که در آن به صیوریت افراد اشاره شده است و منظور از صیوریت بیان میزان برخورداری از مراتب سطح رشد است.



شکل ۴. سیر رشد ابرار

آنچه تصویر فوق بیان می‌کند نشان از صیوریت (مراحل) و صیوریت (مراتب) شخص در جهت تقرب

است. نقطه شروع این قرب، تقوا است. تقوا در تعریف بیانگر علم به حضور خدا و در نتیجه رعایت حق خدا در این محضر است و از منظری دیگر توجه به حدود و رعایت چهارچوب‌های دین است و به میزان انحراف از مسیر حق شخص دچار بی‌تقوایی شده است.

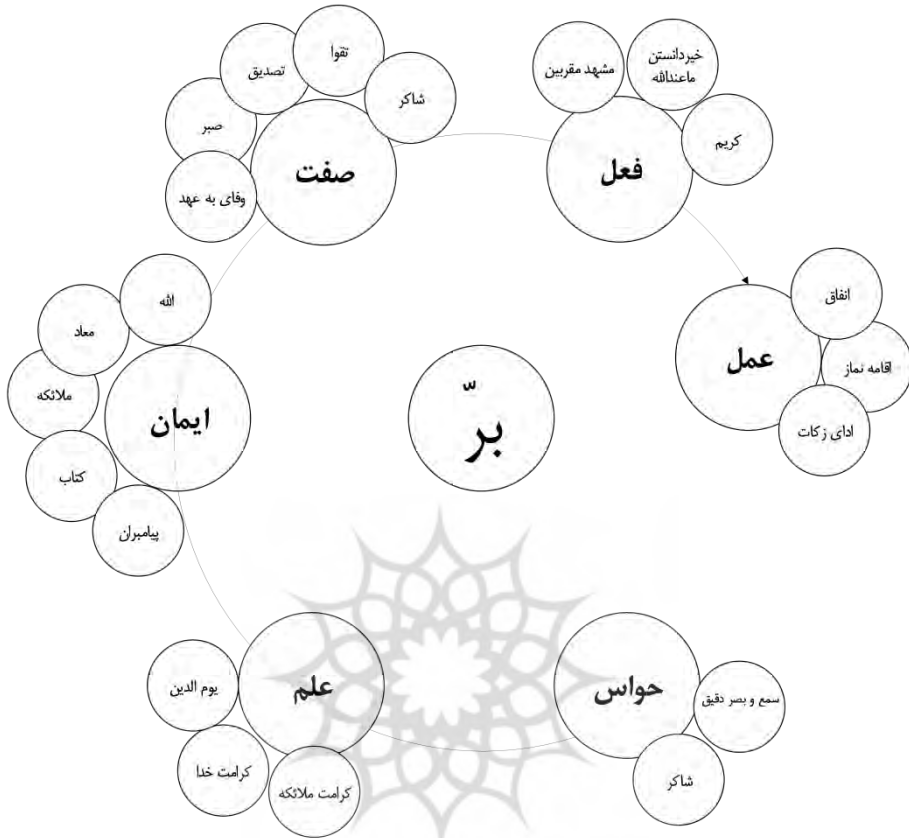
بنابر آیه «**ونفس و ماسواها فالهمها فجورها و تقواها**» الهام تقوا و فجور در نفس مایه تسویه است و خود انسان در فطرت خویش، این حالت را درمی‌یابد. فجر را در لغت انشقاق همراه با ظهور تعریف کرده‌اند و فجور دریدن پرده حدود خداست که در آن نفسانیت انسان بروز می‌کند و نخستین گام در مسیر هلاکت است و به میزان عدم تبعیت از اوامر خداوند فرد دچار سردرگمی و ضلالت می‌شود.

برخی از افراد در مسیر تقوی منحرف می‌شوند و برخی دیگر توفیق پیدا می‌کنند و در زمره متقین جای می‌گیرند. این افراد سعی می‌کنند آفات اخلاقی و رفتاری را از خود بزدایند و در تزکیه خود تلاش می‌کنند، یکی از این آفات بخل (شُحْ نفس) است که شخص به دنبال تملک و عدم اعطاء به دیگری هست و متقین درصدد فائق آمدن بر این صفات وجودی هستند. در این میان عده‌ای هستند که درصدد سیراب شدن دائمی از نهایت قرب هستند و در طلب توفیق بیشتر هستند و ابرار همان کسانی‌اند که منطبق رفتاری آن‌ها در برابر دیگران این است که همواره کفه ترازو را به سمت دیگری سنگین می‌کنند و این حقیقت «بر» است. او خیر را در این دیده است که منفعت را حتی در برابری و عدالت نمی‌داند بلکه خیر آن است که در منطق اخلاقی همواره به نفع دیگران رفتار کند و این منطق دین در تعلیم روابط اجتماعی انسان‌هاست.

در ادامه و با سیر رشد انسان، به تعاون در بر اشاره شده است و این حالت بیان این مرحله است که مؤمنین در نیکی اجتماعی به نصرت و یاری همدیگر بپردازند و آن را به جریانی از نزول رحمت خدا بر جامعه و موجب احیای جامعه باشد. در هزمانی که تشکیل گروه و اجتماعی از ابرار در جامعه روی دهد، نوید جاری شدن حقیقت دین در آن است و به مدد حکومت اسلامی مستقر در کشور، بستر تربیت چنین افرادی در جامعه مهیاست.

۳-۵. ساختار وجودی ابرار

برای اینکه از خودگذشتگی و ایثار، یا مفهوم قرآنی آن (بر) به‌وضوح مشخص شود، تفصیل ساختار ابرار را می‌توان در ساختار وجودی انسان مشاهده کرد، به‌گونه‌ای که در یک نگاه جامع، با توجه به ابعاد وجودی انسان از نظر افکار، تعقل، باور، توجهات، فعل، صفات و اعمال، می‌توان خصوصیات کامل ابرار را در چرخه زیر مشاهده نمود. این نمودار با توجه به ویژگی‌ها و خصلت‌های ابرار و با توجه به آیات فوق رسم شده است که در آن نظام وجودی این افراد در مراتب مختلف از حواس تا عمل نمود دارد.



شکل ۵. ساختار وجودی ابرار (نگارنده)

در وصف شکل فوق که در حقیقت نوع مواجهه ابرار با مسائل است این گونه باید گفت که خداوند نعمات فراوانی به انسان عطا کرده است، عده‌ای به این امر توجه دارند و امکانات و نعمات را با حواس خود می‌بینند و با فکر خود درک می‌کنند و آن‌ها را در مسیر صحیح به کار می‌گیرند، سپس با استفاده از تفکر و تعقل، پی به قواعد و حقایق عالم می‌برند و آن‌ها را به‌عنوان سنگ‌بنا و کتاب زندگی خود قرار می‌دهند. با چینی این مجموعه قواعد، به باب‌هایی از علم دست می‌یابند که حتی امکان بهره‌گیری از الهام را نیز پیدا می‌کنند. در ادامه برای نشان دادن و جاری کردن علوم در قلب باید به آن ایمان آورد و ایمان به‌عنوان پیونددهنده اصلی بین علم و عمل در وجود انسان است. با توجه به سبب‌وریت و سبب‌وریت (مراحل و مراتب) در زندگی، ویژگی‌هایی در انسان پدید می‌آید که با عمل و تکرار در وجود انسان تثبیت می‌شود و این روند، صفات فرد را شکل می‌دهد. آنچه امید و هدف را در برابر انسان

واضح می‌کند عزم و اراده‌ای است که در قسمت فعل انسان جلوه دارد و در آخرین مرحله تبدیل به رفتار می‌شود و نمود بیرونی پیدا می‌کند؛ و در ادامه دوباره وارد چرخه از حواس تا عمل می‌شود و به میزان شاکر بودن، رشد پیدا می‌کند و البته به میزان ناسپاسی دچار ضلالت می‌شود و این امر تا جایی ادامه پیدا می‌کند که فرد را به زندانی سخت (سجین) که همان اسفل السافلین است، دچار می‌کند. در یک نگاه کلی شکل فوق، ساختار وجودی ابرار را در نگاه و تفکرات و باورها و فعل و رفتار و زندگی او بیان می‌کند. توجه به مباحث فوق، اهمیت بحث را روشن می‌کند که چه مقدار وجود افرادی در جامعه که ملبس به لباس ابرار باشند ضروری است. در جوامع همواره خلأ وجودی انسان‌های مقتدری که به واسطه علم و ایمان و عمل‌شان، استحکام و انسجام و محرک و جمع‌کننده و ایجادکننده حرکت‌های عظیم باشند وجود دارد، چراکه دنیا بهانه‌های متفاوتی را سر راه انسان‌ها گذاشته و آن‌ها را به طرق مختلفی از رشد بازمی‌دارد و کسانی باید باشند که سر این بهانه‌ها را می‌داند و در افقی بالاتر به مدد دیگران می‌شتابند.

مشکلات در طبیعت دنیا هست و ابتلائات مفهوم ناگسستگی از آن است منتهی تعامل با این مفاهیم است که امکان صعود و سیر مضاعف در آن را فراهم می‌کند و او را متقن‌تر و باایمان‌تر از قبل می‌کند و این قاعده عالم هست. به همین دلیل می‌توان با بررسی عادات بد و عدم حرکت‌ها و مشکلات موجود در جامعه به یک فضای متعالی رسید که در آن وضوح رؤیت مسائل بیشتر و دغدغه انسان‌ها شور می‌گیرد و آگاهی در این زمینه بیشتر می‌شود تا انشاءالله این زمینه معرفتی به عمل و سعی در کاستن و ریشه کن کردن مشکلات باشد.

۴-۵. مدل کارکردی «بر» (نیکی فزون یافته)

در شکل زیر از منظری دیگر به دو وصف رفتاری بی‌نظیر ابرار در قالب اشاره به مسلک زندگی دائمی آن‌ها به طرق تسنیمی و کافوری اشاره شده است.



شکل ۶. منظرهای متفاوت به ابرار (نگارنده)



کافور از نظر لغوی هم‌ریشه کفر است و در توضیح آن باید اشاره کرد که کفر، به معنای پوشش و پرده‌ای که مانع از دیدن امری می‌شود، کافر را به دلیل پوشاندن حق، کافر می‌گویند و کافور به دلیل جذب و پوشاندن بوی ناخوش، به این اسم نام‌گذاری شده است. البته ویژگی استثنایی دیگری که دارد این است که علاوه بر جذب بوی نامطبوع که مورد معروف آن استفاده در جسد است، دارای بوی خوشی نیز هست، بنابراین می‌توان گفت کافور ماده‌ای است که به‌شدت بوی نامطبوع محیط را جذب می‌کند و به‌جای آن بوی خوش ساطع می‌کند. اگر در این ماده و خاصیت آن توجه شود به‌وضوح روشن است که یک میدل باشکوهی است که سیئات وجود آدمی را به حسنات بدل می‌سازد، یا حتی در مقیاس بزرگ‌تر علاوه بر پوشش نواقص و قصور و تقصیرات افراد جامعه، آن را تبدیل به نقاط پررنگ و نقش‌آفرین جامعه می‌کنند و به‌نوعی می‌شود گفت که از وجود یتیم در جامعه دُرپروری می‌کند چون که یتیم از منظری دیگر به معنای دُرّی گمشده است که به محض پیدا کردن آن تمام قابلیت‌های او شکوفا می‌شود. در توضیح واژه تسنیم باید اشاره کرد که تسنیم در اصل به معنی بالا بردن است. آن چیزی از موجود که علو و رفعت دارد مثل گداختگی آتش و یا دود و یا ارتفاع ابر از زمین. و اُبرار به‌واسطه سیراب شدن از حقیقت تسنیم که به‌مثابه چشمه‌ای جاودان است، به حالت رفعت از خودخواهی رسیده و توجه خود را به‌سوی حق و در عظمت خدا فانی کرده‌اند. بنابراین با توجه به تعاریف فوق، تسنیم به‌گونه‌ای است که توجه به یک‌چیزی چنان موجب غرق شدن شخص در آن می‌شود که همه وجود شخص روبه‌قبله او می‌شود و در نتیجه هر کاری را در معامله با خدا طبق کتاب خدا و به خاطر ترجیح دیگران به خود انجام می‌دهد؛ به همین سبب دارای وسعت صدر و دقت نظری هستند که مواجهه‌هایشان با مسائل و مردم را، بهترین مواضع وصول به نعمت اُبرار شدن می‌دانند و سعی می‌کنند با منطق بر رفتار کنند تا اسیر خودخواهی نباشند که ریشه در قبض و گرفتگی دارد و نهایت آن زندان ابدی (سجن) است که البته طبق سوره مطفقین غیر این دو منطق، منطبق دیگری برای رفتار انسانی متصور نیست. انسان یا در تعاملات با مردم حالت اُبرار و علّیین است و یا حالت خودخواهی است که در تعریف دقیق منشأ تطفیف آمده است که حبّ و دوست داشتن و جلب نفع برای خود که موجب مقدم شمردن و ترجیح دادن خود بر دیگری است که این برخلاف رفتار اُبرار است که در آن دقیق به دنبال سودرسانی به دیگران و ترجیح آنان بر خود است. در این حالت، عشق معبود را در مواجهه خود با دیگران و در تعامل بر‌گونه جست‌وجو می‌کنند به همین دلیل در معرفی‌شان، وجه آن‌ها را تصویر می‌کند که غالباً حالتی از نشاط و سعه روحی است.

طبق موارد فوق وجوه کارهای اُبرار در دو منظر کافوری و تسنیمی است؛ و این دو وصف، به دلیل وجود نیاز اصلی سیراب شدن دائمی از چشمه‌ای که منتسب به بندگان خاص خدا و مقربین است در بیان رویه اُبرار بیان شد. تسنیم به اعتبار تمایل به دیگران و نفع رساندن به آنان و ترجیح آنان به خود در مواجهه و تعاملات است و کافور به اعتبار رفع نواقص و مشکلات جامعه است. در حقیقت این دو

مکمل یکدیگرند به‌گونه‌ای که تسنیم حالتی از بعثت در درونش ایجاد شده است که به‌واسطه این برانگیختگی در افقی قرار گرفته است که میل دارد دیگران را به این سمت کشانده و خود را شاهد دیگران گذاشته است و کافور به‌واسطه جوشش درونی از رحمت خدا به دنبال پر کردن تمام خلأهای موجود در جامعه است.

در یک نگاه کاربردی، کافور اشاره به توانایی دیدن شکاف‌ها و اشکالات اساسی زندگی است که با مهارت و استعداد خود توان رفع آن‌ها را دارد و وجه‌تسمیه آن هم با کافور این است که کافور ماده‌ای است که علاوه بر اینکه بوی بد را جذب می‌کند موجب انبعاث بوی خوش نیز می‌شود و ابرار کافوری به دلیل توانایی که با رفع نقاط زلزله خیز و شکاف جامعه در عرصه‌های مختلف دارند، موجب استحکام و قوت جامعه می‌شوند؛ عرصه‌هایی که در آن، انسان می‌تواند خود را در نسبت با دیگری درک کند محل‌هایی هستند که می‌تواند محل رؤیت صفت بر تسنیمی است، در حقیقت به نسبت ارتباط برقرار کردن بین شعاع انسانی و ایمانی و اقوامی و ارحامی و ... دایره وجودی انسان وسعت می‌گیرد و به میزانی که بتواند توان و استعداد خود را در این عرصه‌ها شکوفا کند موفق است. ذکر این نکته لازم است که دنیا در تمام ابعادش، قصه همین موقعیت‌هایی است که دائماً برای انسان‌ها ایجاد می‌کند و آنچه موجب غفلت انسان از این سرمایه عظیم است دل‌خوش بودن به منفعت مادی و دیدن خود در آن است. درواقع نقطه شروع بر، این است که هر آنچه را برای خود می‌پسندی برای دیگران هم بپسند و هر آنچه را موجب بدی میدانی به همان نسبت برای دیگران هم بد بدان. در ادامه موقعیت‌هایی پیش می‌آید که انسان می‌تواند در نسبت با گروه‌های بزرگ‌تری این کار را انجام دهد، البته از رشد این صفت در وجود انسان نیز چنین انتظار می‌رود که بتواند عرصه‌های بزرگ‌تری را برای خدمت بیشتر ببیند و خود را برای آن تربیت کند.

جدول ۴. انواع ابرار (نگارنده)

ردیف	نوع ابرار	توضیحات
۱	کافوری	در مواجهه با مشکلات و نواقص جامعه، بدون هیچ توقع تشکر و پاداش، به شناسایی و رفع آسیب‌های جامعه می‌پردازند (کافوری)
۲	تسنیمی	در تعامل و مواجهه با دیگران، اصل، ترجیح دیگری به خود است به‌گونه‌ای که دائماً در رقابت با خود و دیگران جهت پیشی گرفتن از یکدیگر در انجام مشتاقانه امور است (تسنیمی)

بنابراین کافور به‌نوعی پر کردن خلأهای اجتماعی و گسل‌های فکری و فیزیکی در جامعه است که نوعی تسطیح اجتماعی و یکسان‌سازی ناهمواری‌های جامعه قلمداد می‌شود. این محور با موضوعاتی نظیر مهندسی فرهنگی همسو می‌گردد و تسنیم به‌نوعی ایجاد اقتضای مناسب برای رشد و

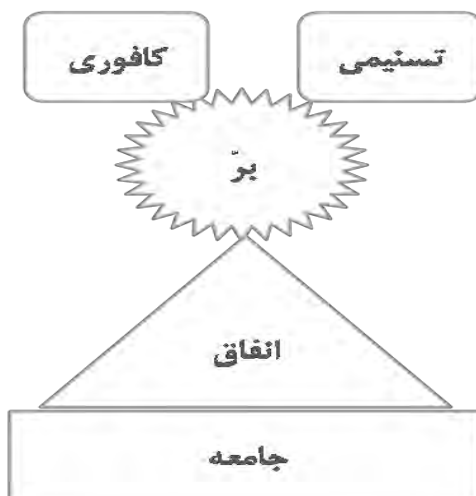


چشم استعدادی افراد جامعه و بسترسازی فضای پرهیجان رقابتی برای گذشتن از خود و متوجه دیگران شدن است. (و این محور نیز با مؤلفه‌هایی نظیر مدیریت و سیاست‌گذاری فرهنگی قرین می‌شود) و هر دوی این محورها در یک تلاقی خلاقانه از مختصات زندگی ابرار (نیکوکاران وسیع الحال) بروز پیدا می‌کند که در ادامه آرایش شخصیتی این افراد ارائه می‌شود. ناگفته پیداست پیاده کردن چنین منطقی در زندگی، بسیار سخت است؛ و ابرار کسانی هستند که به واسطه اراده مقرب گونه و با توسل از مقربین، به چنین مقامی دست پیدا می‌کنند.

با این توصیفات روشن است که بر (نیکی گسترده)، به معنای نیکی اجتماعی از روی ایمان و تواضع است که انتظار هیچ‌گونه پاداشی ندارد و دنبال سهم‌خواهی و طلب از کسی یا نهادی ندارد و تنها طرف معامله خود را در این کار خداوند می‌داند و نقطه افق‌شان مقربین است؛ بنابراین نسبت افراد یک جامعه با ابرار را می‌توان در نسبت روابط اجتماعی آن‌ها دید و به عبارتی روشن‌تر اخلاق مؤمن را در بروز ایمان آن‌ها در رفتار با دیگران باید مشاهده کرد.

به همین دلیل، افق متعالی برای افراد یک جامعه دینی رسیدن به مقام برّ است. دو مانع اصلی جاری شدن برّ در جان شخص و جامعه، تطفیف و کفور بودن است. تطفیف اشاره به خودخواهی و لحاظ نفع شخصی در تعاملات با مردم است و کفور به معنی شاکر نبودن است و نبود شکر در عدم توجه به مشکلات و آسیب‌های موجود در جامعه واقع می‌شود. برای وصول به مقام برّ، باید این دو رویکرد را مدنظر قرار داد و برای شروع امر نیز باید از روابط بین خود و والدین و فامیل و آشنایان و همسایگان و دیگر برادران مؤمن شروع کرد. به میزان توجه فرد به روابط اجتماعی و نیکی بی‌قصد و غرض و تلاش برای رفع نواقص موجود در اطرافیان امکان ارتقاء وجودی برای او به وجود می‌آید و در صورت توفیق، عرصه‌های مهم‌تر و رفیع‌تری برای او باز خواهد شد و این همان چشیدن طعم تسنیم است.

در نمودار جامع زیر که به عبارتی فرآیند این مقاله را نیز نشان می‌دهد، می‌توان گفت که جامعه متشکل از افرادی است که در ارتباط باهم زندگی می‌کنند و خداوند گذران امور و رزق آن‌ها را در ارتباط باهم قرار داده است؛ بنابراین در نظر داشتن وجود موانع در روابط و داشتن بذل و بخشش در نسبت با دیگران، یکی از گره‌گشاترین موارد در نسبت افراد باهم و نواقص ارتباطات به وجود آمده در سطح جامعه است؛ بنابراین انفاق یکی از احکام اجتماعی دین برای پر کردن خلأهای جامعه محسوب می‌شود. در این میان برخی افراد هستند که نه در مواردی محدود و موردنیاز، بلکه در رویه زندگی‌شان به قدری این خلق‌وخوی را در خود پرورانده‌اند که به رفتار شخصیتی آن‌ها بدل گشته است. قرآن کریم این‌گونه افراد را ابرار معرفی می‌کند و در توصیف آن‌ها مکارم بسیاری را یاد می‌کند که تنها یکی از آن‌ها هم‌مشرّب مقربین درگاه اوست.



شکل ۷. مدل کارکردی «پر» (نگارنده)

طبق آیات و روایات فوق، پرّ قرین تقوا است که در نسبت بسیار محکم با احکام و قواعد دین خداست و بروز و ظهور آن در روابط اجتماعی است. ذکر نکته‌ای در اینجا ضروری است که داشتن فعالیت اجتماعی خیرخواهانه در جامعه، بدون نیت تقرب و عدم رعایت حدود خدا و یا درصدد مقابله با جریان دین، یقیناً انحراف بزرگی است که در لایه‌های آن وجود دارد هرچند ظاهر آن به‌گونه‌ای تلاش برای نمایاندن حس نوع‌دوستی و انسان‌دوستی باشد. هر نوع تعاون و تأمین نیاز اجتماع به نسبت دوری از احکام دین، یا آن قوت بر بودن را ندارد، یا با وجه نفع خود در این عرصه ورود کرده است و یا درصدد ضربه زدن به اعتقادات و حکم دینی با این عنوان است. نظیر انسان‌دوستی سازمان ملل برای دیگر کشورها که پوچی آن را می‌توان در سردمداری مخالفت‌های همیشگی آن با دین مشاهده کرد. ابرار جاری‌کننده بسترهایی هستند که نیازها و اهدافی در آن جریان دارد حقیقی است که روابط و تعاملاتش برمدار حق است. این بستر که نه یک بستر فیزیکی بلکه در جان‌ها مستقر است تألیفی حقیقی را به وجود می‌آورد، جسم‌ها ممکن است در ظاهر با هم باشند ولی در واقع با هم منطقان ابراری خود در سراسر عالم قرین و همراه می‌باشند. این افراد کسانی هستند که به‌مثابه کوه‌های جامعه، از شکستن جامعه در ساحت مختلف جلوگیری کرده‌اند و موجب وحدت و قیام و استواری آن هستند. در یک نگاه اجمالی باید گفت آنچه انسان‌ها را به شخصیت ابرارگونه تبدیل می‌کند که به مدد آن می‌توانند به دیگران فکر کنند، مشکلات آن‌ها را ببینند، قعودشان را به‌واسطه قیام خود به قیام دعوت کنند، دارای علو و غرور نباشند، این است که به قیامت یقین دارند و روزی را باور دارند که در آن در مقابل تمام افرادی که در جامعه در مقابل آن‌ها بودند و به‌نوعی پیوند با آن‌ها داشتند روبه‌رو خواهند



شد. آن‌ها حقیقتی را کشف کرده‌اند و این کشف را در باور خود به ثبت رسانده‌اند که دوست داشتن خودشان تنها از مسیر دوست داشتن دیگران میسر می‌شود و با مشغول شدن به خود، خود را در دام کم‌فروشی و سجن و غبار گرفتگی رها نکرده‌اند و قطعاً جامعه‌ای که از وجود چنین افراد سخاوتمند و ایثارگری خالی باشد به شدت متلاطم و زلزله‌خیز خواهد بود.

۵-۵. صفات شاخص ساز ابرار

طبق روایات ذیل و روایات متعددی که در وصف ابرار آمده است نمونه‌ای از ویژگی‌های تفکر ابرار را نیز می‌توان در موارد زیر دانست:

➤ دارای افقی وسیع در پیوستگی توحیدی

تفکر ابرار، تفکر مبتنی بر وسعت نظر و بلندی همت است، زیرا آن‌ها همچون بیابان‌ها دارای وسعت افق هستند. امیرالمؤمنین علیه‌السلام وجه تسمیه ابرار را به دلیل بری که ایشان به پدران و فرزندان خود می‌کنند، می‌داند در واقع این افراد با همه مردم رابطه خویشی برقرار می‌کنند و همه را از خود می‌دانند به این صورت که اگر مؤمن باشند رابطه آن‌ها فرزندی، پدر یا برادری است و اگر غیرمؤمن باشند خویشانی هستند که لازم به هدایت‌اند.

عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ: إِنَّمَا سَمِّيَ الْأَبْرَارُ أَبْرَاراً لِأَنَّهُمْ بَرُّوا
الْأَبَاءَ وَالْأَبْنََاءَ وَالْإِخْوَانَ^۱

➤ قدرت تألیف

تألیف یکی از منافع بی‌بدیل تفکر ابراری است. قدرتی است که می‌تواند با محبت، بسیاری از مسائل و مشکلات را حل و به بسیاری از نیازها پاسخ دهد. به وسیله آن می‌توان راه‌های تقرب الهی را به سهولت طی کرد. این قدرت به وسیله و سبب ابرار در جامعه توسعه می‌یابد، زیرا ابرار کسانی هستند که اقتضای تألیفی که از جانب خداوند نازل می‌شود را فراهم می‌سازند.

وَ قَالَ الصَّادِقُ (ع) إِنَّ سُرْعَةَ اثْتِلَافِ قُلُوبِ الْأَبْرَارِ إِذَا التَّقْوَا وَ إِن لَّمْ يُظْهِرُوا التَّوَدُّدَ
بِأَلْسِنَتِهِمْ كَسُرْعَةِ اخْتِلَاطِ مَاءِ السَّمَاءِ بِمَاءِ الْأَنْهَارِ وَ إِن بَعْدَ اثْتِلَافِ قُلُوبِ الْفُجَّارِ إِذَا
التَّقْوَا وَ إِن أَظْهَرُوا التَّوَدُّدَ بِأَلْسِنَتِهِمْ كَبَعْدِ الْبِهَائِمِ مِنَ التَّعَاطُفِ وَ إِن طَالَ اخْتِلَافُهَا عَلَى

۱. این است و جز این نیست که ابرار را بدان دلیل ابرار نامیده‌اند که به پدران و فرزندان و برادران خود نیکی می‌کنند.

(مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۱، ص ۴۲۲)

مَذُودٌ وَاحِدٌ^۱

➤ دارای عمل فراوان و ادعای اندک

تفکر ابرار از یک سو مبتنی بر ارتباط عاشقانه و خالصانه آن‌ها با خدا و کوچک دیدن خود و کم دیدن اعمال خود در پیشگاه خداست و از سوی دیگر افرادی اجتماعی، فعال در عرصه‌های اجتماعی، با فصاحت، زیرک و دارای اعمال فراوان پاک و بی‌غلّ و غش هستند. لذا در وصف ایشان گفته شده است:

سَمِعْتَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ إِنَّ لِلَّهِ عِبَادًا كَسَرْتُمْ قُلُوبَهُمْ خَشِيَةَ اللَّهِ فَاسْتَنْكَفُوا
عَنِ الْمُنْطِقِ وَإِنَّهُمْ لَفَصْحَاءُ بُلْغَاءِ أَلْبَاءِ نُبَلَاءِ يَسْتَبِقُونَ إِلَيْهِ بِالْأَعْمَالِ الزَّكَايَةَ لَا
يَسْتَكْثِرُونَ لَهُ الْكَثِيرَ وَلَا يَرْضُونَ لَهُ الْقَلِيلَ يَرُونَ أَنْفُسَهُمْ أَنَّهُمْ شَرَارٌ وَإِنَّهُمْ الْأَكْيَاسُ
الْأَبْرَارُ^۲

➤ مدلی از تفکر اجتماعی

ابرار به عنوان مدلی کامل در تفکر اجتماعی هستند، از این جهت که از نیاز و مقصدی حقیقی آغاز و تا نتیجه‌ای مطلوب و عملی شایسته ادامه می‌یابد به همین لحاظ نزدیک شدن دیگران به ابرار باعث تقویت تفکر آن‌ها شده و به صورت طبیعی وضعیت آنان را به سمت هدایت پیش می‌برد. در روایت زیر از این قرب به محبت یاد کرده است و حالات مختلف تعامل با ابرار را در جامعه نشان داده است.

أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ حُبُّ الْأَبْرَارِ لِلْأَبْرَارِ ثَوَابٌ لِلْأَبْرَارِ وَ حُبُّ الْفُجَّارِ لِلْأَبْرَارِ فَضِيلَةٌ لِلْأَبْرَارِ وَ
بُغْضُ الْفُجَّارِ لِلْأَبْرَارِ زَيْنٌ لِلْأَبْرَارِ وَ بُغْضُ الْأَبْرَارِ لِلْفُجَّارِ خِزْيٌ عَلَى الْفُجَّارِ^۳

۱. شتاب به هم پیوستن دل‌های نیکان، هنگامی که یکدیگر را ملاقات کنند، هرچند به زبان خویش اظهار دوستی نکنند، مانند شتاب آمیزش آب‌های آسمان به آب رودخانه‌هاست؛ و به راستی دوری دل تبهکاران از یکدیگر، هنگامی که با هم ملاقات کنند، هرچند به زبان اظهار دوستی کنند، مانند دوری چهارپایان از مهرورزی به یکدیگر است، هرچند در یک آخور علوفه خورند. (تحف العقول، النص، ص ۳۷۳)

۲. برای خدا بندگانی است که قلبهایشان از خشیت خدا شکسته شده به همین دلیل از گفتار سرباز می‌زنند درحالی که بسیار فصیح و بلیغ و دارای خرد و تیزهوشی هستند. ایشان با اعمال پاک سبقت می‌گیرند درحالی که کار زیاد خود را زیاد نمی‌شمارند و به کم هم راضی نیستند. خود را خوب نمی‌پندارند درحالی که زیرکانی نیکوکارند (الزهد، النص، ص ۵)

۳. دوست داشتن نیکان نیکان را برای آن‌ها ثواب است و دوست داشتن تبهکاران نیکان را برای نیکان فضیلت است و دشمنی تبهکاران با نیکان برای نیکان زینت است و دشمنی نیکان با تبهکاران برای تبهکاران خواری و رسوایی است. (المحاسن، ج ۱، ص ۲۶۵)



➤ ارائه‌دهنده معیار

خداوند برای هدایت مردم، کسانی را از جنس خودشان در بین آنان قرار داده است که معیار رفتارهای شایسته و افکار پسندیده‌اند. شناسایی رفتارها و افکار این افراد به تحقیق در تحقق تفکر اجتماعی بسیار مؤثر است.

أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ إِنِّي لَأَعْلَمُ قَوْمًا مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَ أَيْدِهِمْ وَ هَدَاهُمْ إِلَى كُلِّ رُشْدٍ وَ بَلَغَ بِهِمْ غَايَةَ الْإِمْكَانِ قِيلَ مَنْ هُمْ يَا أبا عَبْدِ اللَّهِ قَالَ أَوْلِيكَ شَيْعَتَنَا الْأَبْرَارُ شَيْعَةُ عَلِيٍّ^۱

مجموعه روایات فوق، نشانگر مجموعه روحیات و اخلاقیات منتسب به ابرار است که جذابیت آنها را در ارتباطات مضاعف کرده و نوعی فضا سازی کارکردی برای جامعه ایجاد میکند. این روند در ایجاد، ایقا و ارتقای فضای حسن ظن در جامعه شتاب داده و هضم مسائل و مشکلات را تسهیل میکند. جدول ذیل برآیند این صفات را نشان میدهد.



شکل ۸. صفات شاخص ابرار (نگارنده)

وجود این شاخص‌ها در شخصیت‌شناسی ابرار باعث ایجاد سپهر معرفتی و مغناطیسی خاصی می‌شود که هر شخص به میزان تشبّه به این منطوق، در این زمره قرار می‌گیرد و به میزانی که تعلقات وجودی را از خود دور کند و این را در مسیر بهترین برای هدف متعالی صرف کند، صفت «بر» را در خود نهادینه خواهد کرد.

عصاره مطالب این است که در راه اعتلای اسلام و جامعه اسلامی در دوران سخت که قوت و عزت اسلام و مؤمنین به تنگی می‌افتد، عده‌ای در راستای شرح و بسط و حل مسائل تلاش می‌کنند چراکه عزت مؤمنین به عزت اسلام و قوت اسلام به قوت مؤمنین و مسلمانان است. گاهی رفع و دفع

۱. من می‌شناسم گروهی را که خدا گناهانشان را آمرزیده و از آنان راضی است و آن‌ها را حفظ می‌کند و ترجم می‌فرماید و از هر بدی مصون می‌دارد و تأییدشان می‌کند و به راه راست هدایتشان می‌فرماید و به آن‌ها به حد امکان رسیدگی می‌کند عرض شد. یا ابا عبدالله کیانند فرمود: اینها شیعیان نیکوکار و پیروان علی علیه السلام هستند. (فضائل الشیعه، ص ۱۴)

این سختی و تنگی‌ها، نیاز به جان و خون دارد، گاهی گذشت از خانواده و فرزند دارد، گاهی نیاز به خرج آبرو دارد، گاهی نیاز به هزینه کردن مالی دارد، گاهی نیاز به استفاده از تخصص و استعداد دارد و در این میدانی که محل تقاطع انبوه نیازها و آسیب‌ها و گسست‌ها و اختلالات جامعه اسلامی است، کسانی هستند که مشی‌شان هزینه دادن و هزینه شدن برای اعتلای اسلام و رفع محجوریت و معذوریت مؤمنین است. چنین شخصیت‌هایی نام‌شان «آبرار» است.

نتیجه‌گیری

در یک منظر اجمالی، آبرار به‌عنوان ستون‌های جامعه در تعاملات اجتماعی هستند و بی‌آنکه پیرو منافع شخصی خود باشند سعی بر ترمیم آسیب‌های موجود در جامعه بر اساس افق مقربینی خود هستند. به همین دلیل این افراد در خود به تعریف شفافی رسیده‌اند و آن هم ترجیح دادن دیگری بر خود است. آن‌ها بی‌هیچ توقعی! چنین صفتی در وجود آدمی نهادینه نمی‌شود جز آنکه فرد در مختصات دین رشد پیدا کند، بستری که در آن همواره از چشمه تسنیم و کافور سیراب می‌شود و گرنه وجود انسان در تلاطم اجتماع، یقیناً طاقت از دست خواهد داد؛ بنابراین طبق آیات و روایات، «پر» دارای افقی است که پیوستگی توحیدی را مبنای تعاملات خود در اجتماع قرار داده است. به همین دلیل بستر نزول رحمت و محل جاری کردن آن در جامعه است و این سبب نفوذ محبت او در بین جمع و موجب اجتماع حول او شده است. به همین دلیل جامعیت خیرها را در اختیار دارد. او به‌واسطه بهره‌مندی از معیار صحیح در تعاملات که به مدد فهم حقایق عالم از جمله حقایق اجتماع است و به‌واسطه توفیق شکرگزاری نعمت و استفاده صحیح از آن، محل رفع حوائج مؤمنین می‌شود که داشتن همین صفت، یکی از آرزوهای خردمندان در قرآن خوانده شده است.



منابع و مأخذ

قرآن کریم

- ابن بابویه، محمد (۱۳۶۲). *الخصال*، قم، جامعه مدرسین.
- ابن بابویه، محمد (۱۳۶۲)، *فضائل الشیعه*، تهران، نشر بیتا.
- اخوت، احمد رضا (۱۳۹۲). *تفکر اجتماعی*، تهران، مدرسه دانشجویی قرآن و عترت دانشگاه تهران.
- اهوازی، حسین (۱۴۰۲ ق). *الزهده*، قم، المطبعة العلمیه.
- برقی، احمد (۱۳۷۱ ق). *المحاسن*، قم، دارالکتب الإسلامیه.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۶). *تصنیف غررالحکم و درر الکلم*، قم، دفتر تبلیغات.
- تمیمی، آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶). *تصنیف غررالحکم و درر الکلم*، چاپ: اول، ایران، قم.
- حسن بن علی ابن شعبه (۱۳۸۱). *تحف العقول*، ترجمه بهراد جعفری، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
- قرشی، علی اکبر (۱۳۷۸). *قاموس قرآن*، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
- موسوی همدانی، سید محمد باقر (۱۳۷۴). *ترجمه تفسیر المیزان*، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- نوری، حسین (۱۴۰۸ ق). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام.